

## کلمه جسم گردید

یوحنا ۱:۱-۱۸

در ابتدا، کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود و نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را درنیافت. شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش یحیی بود. او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه به وسیله او ایمان آورند. او آن نور نبود، بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد. آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می گرداند و در جهان آمدنی بود. او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت. به نزد خاصان خود آمد و خاصان او را نپذیرفتند و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافتند و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر و یحیی بر او شهادت داد و ندا کرده می گفت: «این است آن که درباره او گفتم، آن که بعد از من می آید پیش از من شده است، زیرا که بر من مقدم بود.» و از پری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید. خدا را هرگز کسی ندیده است، پسر یگانه ای که در آغوش پدر است همان او را ظاهر کرد.

در بهار سال ۱۹۷۴ که تحصیلاتم را در کشور آلمان به پایان می رساندم استاد اصلی ام از دنیا رفت. به همین دلیل، یکی از برجسته ترین محققان عهد جدید، به نام اُسکار کالمن، از شهر بازل به مونیخ آمد تا تدریس در یکی از کلاسهای او را به عهده بگیرد. او انجیل یوحنا را تدریس می نمود و تا آنجا که یادم می آید، در سیزده هفته اول از کل هجده هفته، فقط توانستیم چهارده آیه اول این انجیل را مطالعه نماییم. این آیات این چنین غنی و پربارند.

### پیغام کریسمس: حقایق خاص درباره مسیح

حال، من با ترس و لرز به سراغ این آیه ها آمده ام، ترس و لرز از اینکه مبدا بی انصافی باشد که فقط یک موعظه را به این آیات اختصاص دهم. ولی به دو دلیل آنها را انتخاب کردم. یکی اینکه، این متن یکی از بهترین پیغامهایی است که می توان برای کریسمس آماده نمود. آیه ۱۴ آن آیه اصلی است که کریسمس را می شناساند: «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد.» این معنای کریسمس است. خدا در شخص عیسی مسیح از باکره متولد شد و به جهان آمد. دومین دلیل انتخابم این است که متن نامبرده مملو از حقایق خاص درباره عیسی مسیح است، حقایقی که ما به شدت نیازمند دانستن و پذیرفتن آنها هستیم.

امروز، این پیغام از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که حتی مذاهب اصلی دنیا، که مسیحی نیستند، این روزها به شکلی صحبت می کنند که گویی عیسی را احترام و حرمت می نهند و گویی به او ایمان دارند. به خصوص این روزها رهبران مسلمانان انگار قصد دارند این باور را بپرورانند که حتی بیشتر از ما عیسی را حرمت می دهند، چرا که آنها باور ندارند که خدا اجازه داده است عیسی آن چنان ننگ آور و چون یک مجرم مرگ بر صلیب را متحمل گردد. از این رو، بسیار لازم و حیاتی است که مسیحیان عیسی مسیح را به خوبی بشناسند و قادر باشند تفاوت میان مسیحی که در کتاب مقدس معرفی می شود و مسیحی را که سایر مذاهب مدعی احترام به او هستند بیان کنند.

پس آنچه مایلیم در خصوص این پاراگراف عالی مطرح کنم، پاراگرافی که درباره عیسی مسیح است و به قلم یوحنا رسول نوشته شده است که او را بیش از هر شخص دیگری در این دنیا صمیمانه می شناخت، این است که در خصوص «کلمه جسم گردید» به پنج حقیقت اشاره نمایم و در خصوص آن توضیح دهم و در آن وجد و شادی نمایم. سپس، دو واکنش کاملاً متفاوتی را که ممکن است نسبت به او از خود نشان دهید با یکدیگر مقایسه کنم. هدف من این است که عیسی را آن کسی که هست ببینید و به آن جهت روید که او را چون خداوند و

خدایتان و بالاترین گنجینه‌تان پذیرا باشید. اگر هم اکنون به او ایمان دارید، دعایم این است که به او بچسبید و او را عزیز شمارید و در او شادی کنید و او را پیروی نمایید و بیش از همیشه او را عیان سازید.

در این پیغام، به آن پنج حقیقت دربارهٔ «کلمه جسم گردید» اشاره می‌نماییم.

- نام کلمه جسم گردید در این دنیا عیسی مسیح است.

آیهٔ ۱۷: «شریعت به وسیلهٔ موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیلهٔ عیسی مسیح رسید.»

فرشتهٔ خداوند به یوسف گفت که آن کودک را «عیسی» نام گذار، زیرا که معنایش «نجات‌دهنده» می‌باشد. فرشتهٔ خداوند در رویا به وی ظاهر شد و گفت: «ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن زن خویش، مریم، مترس، زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است از روح‌القدس است و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند.»

«مسیح» لقبی بود که به آن پادشاهی اشاره می‌نمود که یهودیان زمانی طولانی چشم‌انتظارش بودند تا قوم خویش را پیروزی بخشد و حکومت جهان را بر دوش خود گیرد. وقتی آندریاس، برادر پطرس، به او گفت که عیسی را یافته است، انجیل یوحنا ۴۱:۱ چنین می‌گوید: «ماشیح را یافتیم» [و یوحنا می‌افزاید] ماشیح به معنای مسیح است.

بنابراین، شخصی که ما در این آیات درباره‌اش صحبت می‌کنیم، در کتاب مقدس و در سراسر دنیا، به «عیسی مسیح» معروف است و هر یک از این دو نام از معنایی عالی برخوردارند: او نجات‌دهنده و پادشاه است.

- «کلمه جسم گردید» پیش از آنکه چون یک انسان متولد شود و به جهان بیاید خدا بود و نزد خدا بود.

آیهٔ ۱: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.»

همواره فرقه‌هایی وجود داشته‌اند که با سرّی که در این دو عبارت نهفته است سر ناسازگاری گذاشته و با آن مخالفت ورزیده‌اند: «کلمه نزد خدا بود» و «کلمه خدا بود». آنها که صرفاً در تفکر انسانی‌شان اسیرند می‌گویند که «نمی‌تواند هر دو حالت وجود داشته باشد. عیسی یا خدا بود یا نزد خدا بود. اگر او نزد خدا بود، پس او خدا نبود و اگر او خدا بود، نزد خدا نبود.» این افراد برای فرار از حقیقت این دو جمله، گاه، ترجمه را نیز تغییر می‌دهند (همان‌گونه که شاهدان یهوه چنین می‌کنند) و در نتیجه این‌طور می‌خوانند: «کلمه نزد خدا بود و کلمه یکی از خدایان بود.» اما، هم از نظر دستور زبان و هم از نظر محتوا، می‌توان از سایر آیات انجیل یوحنا و سایر کتابهای کتاب مقدس به خوبی دلیل آورد که چرا کلیسای مسیحی هرگز چنین تعالیمی را صحیح و راستین ندانسته است.

حقیقتی که آیهٔ اول تعلیم می‌دهد این است که آن کسی که او را عیسی مسیح می‌دانیم، پیش از آنکه جسم گردد، خدا بود و پدر نیز خدا بود. یک خدا در دو شخص. این جزیی از حقیقتی است که ما آن را تثلیث می‌خوانیم. به این دلیل است که ما عیسی مسیح را می‌پرستیم و همراه با توما در انجیل یوحنا ۲۸:۲۰ می‌گوییم: «ای خداوند من و ای خدای من!»

- پیش از اینکه جسم گردد، یوحنا او را «کلمه» نامید.

یوحنا ۱:۱: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.»

چرا یوحنا عیسی را «کلمه» نامید؟ یک پاسخ این است: به این بیندیشیم که او می‌توانسته عیسی را چه بنامد و چرا هرچه که می‌نامیده، در مقایسه با «کلمه»، واژه‌ای نابسندیده می‌بوده است؟ برای نمونه، یوحنا می‌توانسته او را «کردار» بنامد: «در ابتدا، کردار بود و کردار نزد خدا

بود و کردار خدا بود.» یکی از تفاوت‌های کردار و کلمه این است که کردار چندان واضح و روشن نیست. اگر تصور می‌کنیم گاهی اوقات کلامان مبهم است و چیزهای مختلفی را می‌توان از آن برداشت کرد، چقدر بیشتر، کردار ما مبهم و غیر شفاف می‌باشد. به این دلیل است که اغلب خودمان را با کلمات توضیح می‌دهیم. کلمات، واضح‌تر از رفتار و کردار، مفهوم کارمان را می‌رسانند. خدا اعمال بس قدرتمندی را در تاریخ به ظهور رساند، اما ارجحیت را به کلام بخشید. به گمانم یک دلیلش این است که خدا برای گفتار واضح و شفاف و رسانا ارزش والایی قائل می‌باشد.

مثال دیگر این است که یوحنا می‌توانسته عیسی را «پندار» بنامد. «در ابتدا، پندار بود و پندار نزد خدا بود و پندار خدا بود.» اما یکی از تفاوت‌های پندار و کلمه این است که کلمه، به طور معمول، وسیله‌ای است که به منظور ایجاد ارتباط، از سوی پندارنده، ابراز می‌گردد. به گمانم یوحنا می‌خواست ما به این درک برسیم که پسر خدا با پدر در ارتباط بوده است و در تاریخ نیز ظهور نمود تا وسیله ارتباط خدا با ما باشد.

و سومین مثال این است که بگوییم یوحنا می‌توانسته او را «احساس» بنامد. «در ابتدا، احساس بود و احساس نزد خدا بود و احساس خدا بود.» اما همچنان بر این باورم که احساسات هیچ بار معنایی یا ادراکی و یا مقصود روشن و شفافی را در بر ندارند. احساسات نیز مانند کردار مبهم هستند و لازم است که با کلمات توضیح داده شوند. پس به نظرم یوحنا با «کلمه» نامیدن عیسی قصد داشته است بر این نکته تأکید ورزد که پسر خدا عامل ارتباط می‌باشد. او نخست و پیش از همه چیز وجود دارد و از ازل همواره وجود داشته است تا با پدر در ارتباط باشد. دلیل دوم که بی‌نهایت برای ما مهم می‌باشد این است که پسر خدا وسیله ارتباط خدا با ما گشت. کسی شاید این مهم را چنین خلاصه کند و بگوید که «کلمه» نامیده شدن عیسی به این معنا است که «خدا خود را عیان نموده است.»

- هر چیزی جز خدا به وسیله «کلمه» آفریده شد.

یوحنا ۱:۳: «همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت.»

یوحنا در اینجا دست‌کم به دو دلیل درباره کلمه چنین می‌گوید. یک دلیلش این است که بر خدا بودن عیسی تأکید ورزد. وقتی به خدا فکر می‌کنیم، بی‌درنگ، خالق بودن او به ذهنمان می‌آید. خدا مبدأ و شرح همه مخلوقات – به غیر از خودش – است. پس وقتی یوحنا می‌گوید: «همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت» منظور این است که عیسی خدا است و آفریده نشده است.

دلیل دیگر در آیه ۱۰ بیان شده است: «او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را شناخت.» به نظر می‌رسد در اینجا نکته این می‌باشد که بر جدی بودن کوری جهان، که به خاطرش مقصرند، تأکید شود و اینکه شرارت جهان در نپذیرفتن عیسی تا چه اندازه عظیم است. عیسی در مقام خالقمان به نزد ما آمد، ولی جهان او را نپذیرفت و باز هم او را نمی‌پذیرد.

پس تا اینجا چه نکاتی را درباره «کلمه جسم گردید» بررسی نموده‌ایم؟ (۱) او عیسی مسیح است، نجات‌دهنده و پادشاه مسح شده؛ (۲) او خدا است، شخص دوم تثلیث؛ (۳) او کلمه است – خدا سخن می‌گوید و خدا خود را عیان نموده است؛ (۴) او خالق همه چیز است.

«کلمه جسم گردید» در خود حیات دارد و آن حیات نور آدمیان می‌گردد.

یوحنا ۱:۴: «در او حیات بود و حیات نور انسان بود.»

کل حیات در کلمه آغاز شد. این یک امر بدیهی است، چرا که همان‌گونه که پیش از این مشاهده نمودیم عیسی خالق همه‌چیز است. اما در اینجا احتمالاً تمرکز بر حیات روحانی است. به بیان دیگر، ما انسانها با دو مشکل کوبنده روبه‌رو هستیم: ما از نظر روحانی مرده‌ایم و از این‌رو، از نظر روحانی، کور هستیم. آنچه یوحنا در اینجا می‌گوید این است: عیسی چاره هر دو مشکل است: او آن حیاتی را که محتاجش هستیم دارا است و این حیات نوری می‌شود که نیازمند آنیم.

یوحنا ۲۱:۵ می‌فرماید: «پسر هر که را می‌خواهد زنده می‌کند.» به عبارت دیگر، او از نظر روحانی همان کاری را برای ما انجام می‌دهد که برای ایلعازر انجام داد آن هنگام که مقابل قبر او ایستاد و به آن انسان مرده فرمود: «ای ایلعازر، بیرون بیا!» (یوحنا ۱۱:۴۳).

و چطور آن حیاتی که عیسی عطا می‌نماید به نور ربط دارد؟ به دو شکل. یکی اینکه، آن حیات ما را قادر می‌سازد تا ببینیم. وقتی مردگان جان می‌گیرند، می‌توانند ببینند. بگذارید تصویر دیگری ارائه دهم: وقتی متولد می‌شوید، می‌توانید ببینید. به همین شکل نیز دیدن روحانی صورت می‌گیرد. عیسی به نیکودیموس فرمود: «آمین آمین به تو می‌گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید» (یوحنا ۳:۳). بنابراین، عیسی ابتدا حیات می‌بخشد و سپس آن حیات نور می‌گردد، یعنی توانایی برای دیدن واقعیت‌های روحانی.

طریق دیگری که آن حیاتی که عیسی عطا می‌نماید به نور ربط دارد این نیست که فقط شما را قادر به دیدن می‌سازد، بلکه عیسی خودش آن نور عیان است. حال، باید پرسید که وقتی هنوز ایمان نیاورده‌ایم نسبت به چه چیزی کور هستیم؟ ما به حقیقت و زیبایی و ارزش، یعنی به جلال عیسی، کور هستیم. پس وقتی یوحنا می‌گوید: «در او حیات بود و حیات نور انسان بود» به احتمال بسیار منظورش این است که عیسی مسیح، که آن کلمه است که جسم گردید، هم قدرت برای دیدن شکوه روحانی است و هم خودش آن شکوه عیان است.

آیه ۱۴ همین را می‌گوید: «کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد و جلال او را دیدیم.» در انجیل یوحنا ۲۴:۱۷ نیز عیسی برای همین دعا کرد: «ای پدر، می‌خواهم آتانی که به من داده‌ای با من باشند در جایی که من می‌باشم، تا جلال مرا ببینند.» و زمانی که این عبارت را دو مرتبه تکرار نمود، همین واقعیت را مدعی بود: «من نور جهانم» (یوحنا ۸:۱۲؛ ۹:۵). پس «کلمه جسم گردید» در خود حیات دارد و آن حیات نور آدمیان می‌گردد. او قدرت برای دیدن است و خودش آن شکوه عیان است.

پس آن پنج حقیقت بررسی شده درباره «کلمه جسم گردید» کدامند؟

۱. کلمه، پس از آنکه جسم گردید، عیسی مسیح است: نجات‌دهنده و پادشاه مسح‌شده از جانب خدا که پادشاه همگان است.

۲. او خدا است: او نزد خدا بود و او خدا بود.

۳. او کلمه نامیده شد: خدا سخن می‌گوید. خدا خود را عیان می‌سازد.

۴. او خالق است: همه‌چیز به واسطه او آفریده شد، ولی خود او آفریده نشد.

۵. او حیات و نور است: قدرت زنده برای دیدن و آن شکوه عیان و سیراب‌کننده.

سرانجام، شما به همه این مکاشفه درباره عیسی مسیح، یعنی آن کلمه که جسم گردید، چه واکنشی نشان می‌دهید؟

### یک واکنش: او را نمی‌شناسم و او را نمی‌پذیرم

این واکنش در آیات ۱۰-۱۱ توصیف گشته است: «او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت. به نزد خاصان خود آمد و خاصان او را نپذیرفتند.» شما این حقایق را می‌شنوید و می‌گویید: «او را نمی‌شناسم و او را نمی‌پذیرم.» بسیار هولناک است

که دربارهٔ خالق و حیات و نورتان چنین بگویید. کمترین خواهش و تمنایی که از شما دارم این است که در این روزهای کریسمس این جمله را به آسانی بر زبان نیاورید.

### واکنش دیگر: او را می‌شناسم و او را می‌پذیرم

آیات ۱۲-۱۳ توصیف این واکنشند: «و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافتند.» من برای این واکنش دعا می‌کنم. این «کلمه جسم گردید» عظیم را بپذیرید. او را چون نجات‌دهنده و پادشاه و خدا و کلمه و خالق و حیات و نور و همهٔ آنچه خدا در او برای شما است بپذیرید.

کریسمس به این می‌ماند که خدا پسرش را به جهان بفرستد تا همهٔ «بن‌لادن‌های» جهان را که در غارهای ظلمت و مرگ پنهان شده‌اند بیابد. ولی، به جای اینکه به درون غارها آتش بیندازد، خودش در دهانهٔ غارها بایستد و بگوید: به سوی نور بیایید، زیرا که من بر روی صلیب برای گناهکاران جان داده‌ام. اگر مرا چون خدای خود و گنجینهٔ خود و به جانشینی از خود بپذیرید، مرگ من به حساب مرگ شما و عدالتم به حساب عدالت شما گذاشته می‌شود و صاحب حیات جاویدان خواهید گشت.»

جان پای پر

[www.MahfeleEnjil.com](http://www.MahfeleEnjil.com)